

ارزیابی سیاست کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنايات داعش

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۷

پیمان نامامیان*

چکیده

برخی دولت‌ها ضمن ایجاد و به‌کارگیری گروه‌های تروریستی به مثابه ابزار تأمین منافع ملی، قدرت عمل هنجاری و ساختاری نظام بین‌المللی را در حوزه مبارزه با تروریسم، مدیریت و حبس نموده‌اند. مؤید این امر اقدامات تروریستی گروه داعش است که ماهیت تهدیدآمیز آن برای صلح و امنیت بین‌المللی، از اصل تروریسم به عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی نشأت می‌گیرد. از این رو، سعی بر آن است تا ضمن شناسایی ماهیت و ساختار گروه داعش و نیز مطالعه تطبیقی جنایات ارتكابی با ماهیت اقدامات تروریستی، سیاست کیفری-تقنینی سازمان ملل متحد، به ویژه شورای امنیت را در جرم‌انگاری اقدامات تروریستی بررسی و چگونگی تعقیب و رسیدگی به جنایات مزبور از طریق محاکم کیفری بین‌المللی مورد مذاقه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، داعش، تروریسم تکفیری، شورای امنیت، کنوانسیون‌های ضد تروریسم، دیوان کیفری بین‌المللی.

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

Email: p_namamian1512@yahoo.com

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال هجدهم • شماره اول • بهار ۱۳۹۴ • شماره مسلسل ۶۷

مقدمه

تحولات جامعه بین‌المللی در قرون گذشته و عصر حاضر این یافته غالب را در نظام حقوقی و سازوکارهای مرتبط با آن به دنبال داشته که «تروریسم تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی» و حاکمیت قانون است. در این زمینه، کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ضد تروریسم همراه با مجموعه‌ای متعدد از بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی بر همین نقطه مشترک استوارند (معظمی و نامیان، ۱۳۹۳: ۲۸-۲۳) و از این رو، «پیش‌گیری و مقابله» با آن را از ابعاد و زاویه‌های مختلف مد نظر قرار داده، جامعه بین‌المللی دولت‌ها را به «تعهدپذیری، قبول مسئولیت، مشارکت و همکاری» در این زمینه فراخوانده‌اند.

در چند دهه اخیر، به موازات سیر صعودی کنش‌های تروریستی در سطح بین‌المللی، لزوم اتخاذ واکنش‌های ضد تروریستی درک شد و کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی تصویب و منعقد گردید. این تدابیر معطوف به الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری داخلی، صلاحیت محاکم کیفری ملی و پیش‌بینی تدابیری برای پیش‌گیری از اقدامات تروریستی بوده است، اما این روند مبارزاتی به کاهش این پدیده منجر نشد (صابر و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

این در حالی است که امروزه نقض آشکار حقوق بشر، آن هم به شکل نقض و تخلف شدید و خشونت‌آمیز از حقوق اساسی بشری، جنایت ضد بشری و تهدیدی علیه صلح و امنیت بشری به شمار می‌آید. این جنایات، اقداماتی خشونت‌آمیز هستند که متضمن نقض یا سلب حقوق اساسی افراد انسانی است. البته، این گونه رفتارها اصول کلی حقوقی مشخص را زیر پا نهاده و به کانون توجه و نگرانی جامعه بین‌المللی تبدیل می‌شود (کوشا و نامیان، ۱۳۸۷: ۲۳۹-۲۳۷؛ گلدوزیان و نامیان، ۱۳۸۹: ۱۸۵-۱۸۴).

تهدیدی که تروریسم بین‌المللی برای صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد کرده، تهدیدی جدی محسوب می‌شود. آمار موجود حاکی از آن است که این پدیده نسبت به آنچه اغلب تصور می‌شد، چالشی کم‌اهمیت برای نظم و رفاه جهانی نیست. بنابراین باید در کنار دیگر چالش‌های بی‌شمار و متعدد عصر حاضر، مورد اهتمام واقع شود (Anderson, 2009: 331-335).

تروریسم حجم گسترده‌ای از نگرانی‌ها و دغدغه‌های ملت‌ها و مسئولان کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی را به خود اختصاص داده است. امروزه، تلاش‌های گسترده‌ای در جهت

تحریف و مترادف‌سازی واژه «تروریسم» با اسلام در سطح جهان در حال انجام است. به علاوه، در طول تاریخ اسلام نیز بسیاری از بزرگان از جمله امامان معصوم قربانی این پدیده شوم شدند. دنیای غرب، چند سالی است سعی در حذف اسلام از عرصه سیاست دارد و در این راستا ابتدا با پدیدآوردن و تقویت گروه‌های تروریستی (هم‌چون القاعده و داعش) و سپس با استناد به اعمال این دسته، اسلام را تروریست‌پرور معرفی کرد (جعفرپور و نامیان، ۱۳۹۳: ۷۱).

افزون بر این، وقوع حوادث تروریستی در مراکز مهم شهری و پرتدد همانند ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م در نیویورک، ۱۲ اکتبر ۲۰۰۲م در بالی، ۱۱ مارس ۲۰۰۴م در قطار مادرید، ۷ جولای ۲۰۰۵م در لندن، ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹م در مسکو، ۲۹ مارس ۲۰۱۰م در قطار مسکو- سنت پترزبورگ، ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۱م در اسلو و ۷ ژانویه ۲۰۱۵م در محل دفتر هفته‌نامه مجله شارلی ابدو در پاریس، خود مؤید نقض فاحش و روزافزون قواعد و اصول بنیادین حقوق بین‌المللی‌اند. از این رو، می‌توان حوادث و اقدامات مزبور را به مثابه ظهور شاخه‌ای جدید از تروریسم، موسوم به «تروریسم صادراتی»^۱ تلقی کرد (معظمی و نامیان، ۱۳۹۴: ۲۸۳-۲۸۲؛ ر.ک: سیزواری‌نژاد و نامیان، ۱۳۹۳: ۱۰).

گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام با نام اختصاری «داعش»، منشعب از القاعده، گروه تروریستی مسلح با اندیشه و شیوه سلفی جهادی است که از منظر گرایش‌های عقیدتی و فکری و نیز چارچوب رفتاری، رویکرد یکسانی با القاعده دارد و اعضای آن تشکیل خلافت اسلامی و اجرای شریعت در عراق و سوریه را هدف غایی قلمداد نموده‌اند. افزون بر این، رفتارهای این گروه در طول یک دهه اخیر و به ویژه طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، مؤید ویژگی رادیکالی و خشونت‌آمیزبودن آن در مقایسه با القاعده است (اسدی، ۱۳۹۳: ۲).

داعش در واقع، ادامه تشکیلاتی گروهی از سلفی‌های جهادی در عراق به رهبری «ابومصعب الزرقاوی» می‌باشد. گروه زرقاوی عضو القاعده بود و سال ۲۰۰۶ در عراق کشته

۱. نمونه این نوع تروریسم، موسوم به تروریسم صادراتی (*Exporting Terrorism*) را می‌توان در ایجاد گروه داعش یافت که متأسفانه دولت‌های غربی با حمایت‌های نامشروع و غیرقانونی خود از جنایت‌های ضدبشری آن، زمینه ایجاد نقض صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم کرده‌اند (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۳، ص ۵۸-۵۵).

2. Islamic State of Iraq and Sham (ISIS)

شد.^۱ او در اعلامیه‌های خود همواره به فتاوی «ابن تیمیه» استناد می‌کرد. خلیفه موصل نیز پیشوای خود را ابن تیمیه می‌داند (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۶۷). ابن تیمیه پدر معنوی همه گروه‌های جهادی است. افکار او روشن و صریح است. او با اندیشه و عقل به کلی مخالف بود، مگر اینکه آن فکر و اندیشه در راستای تأیید نقل و احادیث باشد. به علاوه، ضمن تحریم هر گونه تعامل با کفار و مشرکین، تفکرات اسلامی شیعیان را نیز مردود و آنها را کافر می‌دانست (عمادی، ۱۳۹۳: ۵۰).

گروه‌های جهادی، ایجاد و استقرار حکومتی دینی و اجرای شریعت اسلامی را از مهم‌ترین تکالیف شرعی خود می‌دانند (Liz, 2014: 18). داعش مشهور به تفسیر و قرائت خشن وهابیت از اسلام (Nabih, 2014: 12) و خشونت وحشیانه‌اش (Terrence, 2014:14; Gambill, 2014: 67-69) علیه شیعه و مسیحیان است و به قدری تندرو و سخت‌گیر است که با دیگر گروه‌های اسلام‌گرای سلفی از جمله «جبهه النصره»^۲ شاخه رسمی القاعده در سوریه نیز درگیر جنگ شده و در فوریه ۲۰۱۴ ایمن الظواهری، رهبر القاعده به طور رسمی هر گونه انتساب این گروه به القاعده را رد کرده است (Abi-Habib, 2014: 58-61).

با وجود این، چندین ماه است که از اوج گرفتن فعالیت‌های تروریستی و غیر انسانی داعش در عراق می‌گذرد. اغلب مردم جهان و افکار عمومی و حتی مجامع بین‌المللی با جنایات متعدد این گروه تروریستی آشنا شده و تصاویر روش‌های فجیع ارتکاب این جنایات را نیز مشاهده کرده‌اند؛ زیرا حمله گسترده این گروه به موصل و اشغال مناطقی از عراق، از همان ابتدا با ارتکاب گسترده جنایات بین‌المللی همراه بوده است (Hassan, 2014: 7). مهم‌ترین مسئله در خصوص گروه داعش، نقش بازیگران منطقه‌ای در آن است. عقبه فکری و عقیدتی داعش توسط سلفی‌گری تغذیه می‌شود و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر راجع به «افکار و عقاید ابن تیمیه پدر فکری مکتب الزرقاوی» به آدرس الکترونیکی «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران» در ذیل مراجعه کنید:
<http://moscow.icro.ir/index.aspx?siteid=261&pageid=32738&p=53&showitem=11193>

۲. نام کامل این جریان مسلح، «جبهه النصره لاجرار الشام (جبهه پیروزی آزادمردان شام)» می‌باشد که در اواخر سال ۲۰۱۱ تأسیس شد.

عربستان، پشتوانه داعش برای جذب نیروی نظامی و حرکت تاکتیکی در عراق هستند. بسیاری از نیروهای داعش در اردن آموزش دیده‌اند. به علاوه، گروه داعش حاصل رقابت‌های بلوغ‌نیافته راهبردی بین قدرت‌های منطقه‌ای است. مانند هر نقطه دیگری در دنیا، کشورها به دنبال تأمین منافع ملی در منطقه زیستی خود هستند، اما در منطقه خلیج فارس این وضعیت، پیچیده شده است (صفوی، ۱۳۹۳: ۷).

پرسش و مسئله اصلی که در این نوشتار مطرح می‌شود، این است «اسناد بین‌المللی و به طور کلی نظام سیاست کیفری تقنینی سازمان ملل متحد، تا چه حد در قبال اقدامات دهشتناک و تروریستی گروه داعش اثربخش خواهند بود؟» به علاوه، «چگونه می‌توان اعضای گروه داعش را از طریق محاکم کیفری بین‌المللی تحت تعقیب قرار داد؟» از این رو، آنچه در پاسخ به سؤالات مزبور قابل ملاحظه خواهد بود، این است به رغم وجود اسناد متعدد بین‌المللی و سیاست‌گذاری‌های کیفری در سطوح سازمان‌ها و نهادهایی همچون سازمان ملل متحد و ارکان وابسته (شورای امنیت)، متأسفانه نه تنها موجبات پیش‌گیری، مقابله و سرکوب کلیه اشکال و ظواهر اقدامات تروریستی فراهم نشده، بلکه با اتخاذ سیاست‌های دوگانه، فضایی برای تشدید و گسترش اقدامات تروریستی از سوی گروه‌های تروریستی ایجاد شده است. بر این اساس، با توجه به شرایط و چالش‌های منطقه‌ای و جهانی، ناشی از وجود چنین گروه‌های افراطی داعش، تنها راهبردی که امکان مقابله و سرکوب جنایات تروریستی گروه داعش را می‌سازد، نخست اجماع دولت‌های منطقه در تعقیب کیفری گروه داعش و سپس، ارجاع و پیگیری امر از طریق محاکم کیفری بین‌المللی است. در این راستا، تأسیس محکمه مختلط با صلاحیت‌های ذاتی و جهانی با اخذ مجوز خاص از شورای امنیت سازمان ملل متحد از الزامات جامعه بین‌المللی است.

الف. انطباق تروریسم با جنایات ارتكابی گروه داعش

واژه تروریسم از فعل «ترور» مشتق شده که در لغت به معنای «ایجاد رعب و هراس میان مردم یا مرعوب‌ساختن دیگران» است. در «فرهنگ اکسفورد»، تروریسم توسل به خشونت برای اهداف سیاسی یا اجبار حکومت به ارتكاب فعل یا ترک فعل به این وسیله که در میان مردم

تولید وحشت کند. هدف اصلی تروریسم، ایجاد اندازه‌ای از ناامنی در جامعه از طریق تخریب بنیادهای امنیت عمومی است.

به رغم وجود تلاش‌های بین‌المللی، از جمله اقدامات سازمان ملل متحد در تصویب کنوانسیون‌های ضد تروریسم، عملکرد شورای امنیت در مواجهه با تروریسم در دو دوره پیش و پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قابل بررسی است (میرعباسی و عابدینی، ۱۳۹۲: ۵۰۸-۵۰۲). با توجه به نبود توافق در تعریف تروریسم و مصادیق آن، هنوز معیارهای یکسانی نزد دولت‌ها برای احراز و اطلاق این مفهوم وجود دارد. بنابراین، در خصوص اینکه چگونه می‌توان یک گروه همانند داعش را تروریستی تلقی کرد، می‌توان گفت برای اینکه گروهی به عنوان گروه تروریستی شناخته شود، ابتدا باید به تعریف تروریسم رجوع کرد و سپس با عنایت به این تعریف، دو ضابطه برای شناختن یک گروه به عنوان گروه تروریستی می‌توان ارائه داد (ر.ک: تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۶: ۲۴۷-۲۴۳).

در رابطه با مفهوم تروریسم و اقدامات تروریستی، تعاریف متفاوتی در سطح بین‌المللی وجود دارد. این مسئله سبب بروز واکنش‌های متفاوت و عدم شکل‌گیری اقدامی سازمان‌یافته و کارآمد در رابطه با اقدامات تروریست‌ها شده است. اگر زمانی کشورهای غربی تلاش داشتند گروه‌های آزادی‌بخش را به عنوان استثنا و در نتیجه عاملی در تفاوت رفتاری با گروه‌های تروریستی نشان دهند، امروزه با توجه به ظهور و قدرت‌گیری گروه‌های تروریستی به ویژه داعش در منطقه خاورمیانه، بار دیگر این ابهام تشدید شده و تفاوت قابل توجهی در رفتار کشورها نمود یافته است.

به عنوان نمونه، اعضای داعش که زمانی توسط کشورهای غربی با عناوینی مانند گروه‌های مخالف دولت، ارتش آزاد و ... توصیف می‌شدند و با اقدامات خشونت‌آمیز آنها مسامحه می‌شد تا از آنها به عنوان ابزاری برای فشار دولت سوریه و عراق استفاده گردد، پس از سه سال فعالیت، با تغییر موضع نسبی برخی از این کشورها به عنوان گروه تروریستی و عامل اصلی نقض صلح و امنیت بین‌المللی معرفی می‌شدند. این در حالی است که گروه داعش در منطقه، طی سه سال هم عمل تروریستی انجام دادند، هم قوانین حقوق بشر دوستانه را نقض کردند و هم بعد جدیدی به جنایت‌های بشری دادند. از این رو، به نظر می‌رسد در این رابطه، مفاهیم و برداشت‌های متفاوت،

مهم‌ترین عامل بروز سیاست‌های متفاوت بوده است که لزوم ارائه تعریفی مشخص در رابطه با تروریسم، اولین گام در رابطه با تروریسم و خشونت سازمان‌یافته خواهد بود.

بنابراین، اولین عنصر از تروریسم بین‌المللی با «اقدام» مرتبط است. اقدامات تروریستی اقداماتی است که در سطح ملی به مثابه اقدامی مجرمانه تلقی می‌گردند. در ضمن، این اقدامات محتمل خواهد بود تا در بردارنده شرایط استثنایی به عنوان اقدامی مشروع تلقی گردد. به دیگر عبارت، اقدامات تروریستی در قلمرو یک کشور محدود و محصور نمی‌ماند. ویژگی فراملی تروریسم در ماده ۳ «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم» تحت پوشش قرار گرفته است.^۱ در صورتی که تأثیر فراملی اقدام تروریستی مشخص گردد، باید کلیه اقدامات برای محاکمه عوامل و رهبران آن حتی خارج از قلمرو سرزمینی اقدام ارتكابی تروریستی صورت پذیرد.

دومین مؤلفه در توصیف معیارهای تروریسم، «هدف از ارتكاب اقدامات تروریستی» است. بسیاری از قوانین و مقررات در سطوح ملی، هدف از انجام اقدامات تروریستی را توسعه و گسترش ترور و وحشت در میان جمعیت غیر نظامی و بی‌ثبات کردن یا نابود کردن ساختارهای کشور قلمداد نموده‌اند تا دولت و سازمان‌ها را وادار به اتخاذ سازوکار و راهبردهای کنشی و واکنشی در مواجهه با آنها کنند یا از ارتكاب اقدامی باز دارند.

بر مبنای توصیف مزبور و تطبیق آن با اقدامات داعش، اقدامات ارتكابی این گروه را می‌توان از جمله اقدامات تروریستی به شمار آورد؛ چراکه این اقدامات از طریق روش‌های وحشت‌آمیز مانند حمله به غیر نظامیان، کشتار وحشیانه و به نمایش گذاردن اجساد قربانیان به دنبال سرنگون کردن حکومت حاکم بر دولت‌های سوریه و عراق هستند. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که «چه مؤلفه‌ها و ظوابطی باید برای شناسایی اعضای این گروه به عنوان تروریست مورد استفاده قرار گیرد؟»

۱. مطابق مفاد ماده ۳ کنوانسیون، جرمی که تنها در یک کشور روی داده، تنها باید در همان کشور محاکمه شود و دیگر کشورها صلاحیت محاکمه متهم را ندارند. این مقرره به مثابه پذیرش اصل قاعده منع محاکمه مجدد در نظام حقوق بین‌المللی کیفری می‌باشد.

در ابتدا، باید اذعان نمود که دولت‌ها از ملاحظات ملی و سیاسی متفاوتی برای طبقه‌بندی گروه‌ها به عنوان گروه تروریستی استفاده می‌کنند که پرداختن به آن در این مجال نمی‌گنجد، اما به طور کلی، دو رهیافت اصلی در این خصوص قابل شناسایی است. رهیافت نخست، این است که گروه مورد نظر فاقد اهداف مشروع در مبارزه با حکومت مرکزی باشد. به عبارت دیگر، گروه برای اهداف تروریستی ایجاد شده باشد نه اهداف مشروع. اینجا منظور از اهداف مشروع، مبارزه با اشغال خارجی، مبارزه با رژیم‌های نژادپرست یا آپارتاید و یا در جایی است که از نظر حقوقی حق مشروعی برای تعیین سرنوشت توسط گروه‌هایی که برای تعیین سرنوشت خود و استقلال‌خواهی با دولت مرکزی می‌جنگند؛ وجود داشته باشد. مورد داعش در هیچ کدام از این موارد نمی‌گنجد و اهداف و مواضع آن با تعریف تروریسم منطبق به نظر می‌رسد؛ هرچند ممکن است عملکرد نامطلوب دولت مرکزی عراق یا سوریه از منظر حقوق بشر، نارضایتی‌هایی را در شهرهای تحت تصرف این گروه را به وجود آورده باشد.

رهیافت دوم، هنگامی است که گروهی به دلیل توسل به روش‌های تروریستی صرف نظر از مشروعیت هدفش به عنوان گروه تروریستی، مورد طبقه‌بندی قرار گیرد. این دکتترین بیشتر از سوی حقوق‌دانان آمریکایی به منظور شناسایی حزب الله لبنان و گروه‌های فلسطینی که گروه‌هایی دارای اهداف مشروع محسوب می‌شوند و به عنوان گروه تروریستی معرفی شده‌اند، ارائه شده که از این منظر قابل پذیرش نیست. گروه داعش جامع هر دو ضابطه فوق است. این گروه، هم دارای جوهر تروریستی است و هم از روش‌های تروریستی برای رسیدن به اهداف نامشروع خود استفاده می‌کند (مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۳: ۲-۳).

ب. ماهیت اقدامات تروریستی داعش

۱. طرق و روش عملیات

به رغم دشواری توصیف ماهیت گروه‌های تروریستی تکفیری، توصیف وضعیتی که در کشورهای سوریه و عراق ایجاد نموده‌اند، دشوار نیست. این وضعیت از نظر حقوقی، «مخاصمه مسلحانه» نامیده می‌شود. شناسائی چنین وضعیتی باعث اعمال بعضی از قواعد

حقوق بین‌الملل می‌شود که رعایت آنها لازم بوده و نقضشان موجب مسئولیت کیفری ناقضین خواهد بود (ر.ک: شهبازی و جوادی شریف، ۱۳۹۲: ۴۵-۳۷؛ هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۸-۶). یکی از نخستین مؤلفه‌های حقوقی مرتبط با «توصیف» داعش، لزوم تکمیل و تعمیق ماهیت تروریستی آن از منظر نهادهای بین‌المللی و دولت‌هاست. به واقع، تروریستی‌نامیدن این گروه منوط به وجود درجه‌ای از دیدگاه و اعتقاد با اقدام دولت‌ها در این زمینه است. در شرایط حاضر، با وجود اقدامات برخی دولت‌ها در زمینه شناسایی داعش و درج آن در گروه‌های تروریستی (بر اساس تصمیمات و فرایندهای حقوق داخلی کشورهای مذکور)، هنوز سیاست بین‌المللی در این زمینه که به توصیف مذکور ماهیت بین‌المللی و عام الشمول بدهد، اتخاذ نشده است (Ferran, 2014: 21).

شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجمع عمومی و همچنین، ارکان نهادهای منطقه‌ای همچون اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی (بزرگمهری، ۱۳۸۸: ۵۲-۴۸) و ...، به رغم اقدامات تروریستی آنها در سوریه در سال‌های اخیر، در اتخاذ چنین تصمیمی موفق نبوده و حتی عمدتاً چنین موضوعی را در دستور کار خود قرار نداده‌اند. این در حالی است که از منظر افکار عمومی جهانی و آن هم متأثر از موج جنایات این گروه علیه غیر نظامیان و غارت اموال آنها و همچنین، اشغال برخی شهرها و روستاهای سوریه و عراق و تهدیدهای این گروه برای ورود به سایر کشورهای منطقه، ماهیت تروریستی آن محرز است و البته این امر، الزاماً بر عناصر الزامی توصیف گروه تروریستی در حقوق بین‌الملل تأثیرگذار نخواهد بود (مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۳: ۳-۲). بنابراین، راه‌کارهای حقوقی در مقابله با اقدامات تروریستی داعش، منوط به تقویت این جنبه مقدماتی توصیف وقایع و عناصر دخیل در آن است.

۲. تهدید صلح و امنیت بین‌المللی

معیار و مؤلفه‌های حقوقی شناسایی گروه داعش و جنایات ارتكابی آن و نیز تأثیرگذار بر ارزیابی حقوقی بین‌المللی در این رابطه، توصیف پیامدهای اقدامات این گروه بر صلح و امنیت بین‌المللی؛ یعنی اولین و مهم‌ترین هدف منشور ملل متحد است. از این رو، در ارتباط با توصیف پیامدهای اقدامات داعش، تحلیل نسبت این اقدامات با تهدید یا نقض صلح و

امنیت بین‌المللی راه‌گشا خواهد بود. این ملاحظات مؤید شناسایی داعش و صلح منطقه، از مهم‌ترین پدیده‌هایی است که ارتباط پیوسته با افکار عمومی جهانی را برقرار ساخته و ظرفیت‌های آنها را در خدمت به تعمیق یافته‌ها و توصیه‌های حقوقی قرار خواهد داد (ر.ک: گودرزی، ۱۳۹۳: ۲).

ماهیت تهدیدآمیز و تروریستی اقدامات ارتكابی گروه داعش برای صلح و امنیت بین‌المللی، از اصل «تروریسم به عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی» نشأت می‌گیرد که در حقوق ملل متحد و حقوق مبتنی بر رویه بین‌المللی استوار گردیده است. اقدامات این گروه به ویژه در شرایطی که به نقض تمامیت ارضی و استقلال سیاسی یک دولت قانونی منجر گشته و با نقض اساسی حقوق بنیادین بشر و بشردوستانه بین‌المللی از جمله کشتار غیر نظامیان همراه شده است، درجه تهدیدآمیز بودن این گروه از حیث وضعیت اقدامات ارتكابی، برجسته و تشدید می‌گردد. در این رابطه، اقدامات این گروه به لحاظ نقض سازمان یافته حقوق بشر و بشردوستانه نیز به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی قابل بررسی خواهد بود (دونل، ۱۳۹۱: ۲۴۵).

ج. سیاست کیفری - تقنینی سازمان ملل در قبال داعش

عملکرد سازمان ملل متحد در مقابله با تروریسم و تکفیر^۱ به ویژه گروه داعش بر اساس پیش‌گیری از ایجاد بحران شکل گرفته است. این سازمان در پی آن است که دولت‌ها بسترهای سیاسی، اجتماعی و ... را به گونه‌ای فراهم آورند که افراد و گروه‌ها از توسل به

۱. واژه تکفیر از ریشه کفر است و لغت‌شناسان برای آن، معانی مختلفی ذکر نموده‌اند؛ از قبیل: فروتنی نمودن، محوکردن و از بین بردن چیزی. تکفیر در لغت در معنای اصل ریشه‌اش؛ یعنی پوشاندن و مخفی نگاه داشتن است. تکفیر در اصطلاح فقهی به معنی نسبت دادن یکی از مسلمانان به کفر است. تکفیر همواره در مرحله بعد از اعتقاد است؛ یعنی نخست باید شخص به عقیده‌های باور قلبی داشته یا در ظاهر بر باوری باشد، مثلاً مسلمان بوده و بر باور و اعتقادات مسلمانی پایبند باشد. آن‌گاه اگر از آن باورهای خود به وسیله‌ای انکار و بیزاری جوید، در این صورت این شخص منکر را کافر گفته و تکفیر می‌کنند. با وجود این، عواملی که موجب تکفیرهای بی‌رویه در جوامع می‌شود شامل جهل و عدم آگاهی، افراط‌گرایی دینی، ضعف‌ها و انحراف‌های اخلاقی و استعمار است (ر.ک: حاجی‌علی و خالصی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۷-۹ و خشن، ۱۳۹۰: ۹۸-۹۶).

ترور و اشکال آن خودداری کنند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۵: ۷-۱۱). همچنین، ممانعت از دسترسی تروریست‌ها به مواد هسته‌ای به عنوان تهدید جهانی، در دستور کار سازمان ملل متحد قرار گرفته است (کوشا و نمامیان، ۱۳۸۷: ۱۴۶-۱۴۳). تروریسم شیمیایی و میکروبی به عنوان تهدیدی بالقوه برای حیات انسانی و محیط زیست، از آن لحاظ قابل توجه است که هزاران آزمایشگاه شیمیایی و میکروبی در سراسر جهان می‌توانند برای تولید عوامل شیمیایی و میکروبی اقدام کنند و اگر چنین علومی در خدمت تروریست‌ها و جریان‌های تکفیری درآید، در آن صورت، بدون شک فجایع انسانی انتظار بشر را خواهد کشید (کریمی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۱).

«کوفی عنان»، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد در جلسه ویژه کمیته ضد تروریسم شورای امنیت با سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در ششم مارس ۲۰۰۳ اظهار نمود: «پاسخ ما به تروریسم و همچنین تلاش‌های ما برای پیش‌گیری از آن باید از حقوق بشر که تروریست‌ها قصد آسیب‌زدن به آن را دارند، حمایت کند. حقوق قابل احترام، آزادی‌های اساسی و نقش قانون در مهار تروریسم، از ابزارهای مهم به حساب می‌آیند و در هنگام بروز تنش هیچ امتیازی نباید داده شود» (Annan, 2003: 34-35).

شورای امنیت سازمان ملل متحد در نشست ۷۲۴۲ قطعنامه ۲۱۷۰ در ۱۵ آگوست ۲۰۱۴ تحت فصل هفتم منشور ملل متحد، شامل یک مقدمه و ۲۴ بند و شش پیوست، علیه شاخه‌های جدید القاعده در عراق و سوریه شامل گروه داعش و النصره به تصویب رساند.^۱

۱. شکل و ظاهر قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت به گونه‌ای است که این تصور را در مخاطب ایجاد می‌کند که گویا شورای امنیت و به خصوص کشورهای غربی این بار به اهمیت مقابله با نسخه‌های جدید القاعده و در رأس آن داعش و جبهه النصره پی برده‌اند و دیگر نمی‌خواهند همچون گذشته به بهره‌برداری‌های ابزاری خود از این گروه‌ها ادامه بدهند. در واقع، بر مبنای همین تصور و برداشت بود که روسیه و چین نیز به عنوان متحدان سوریه در شورای امنیت به این قطعنامه که پیش‌نویس آن توسط انگلیس تهیه شده بود، رأی مثبت دادند. از جمله مفاد قطعنامه ۲۱۷۰ که چنین ذهنیت مثبتی را ایجاد می‌کند، می‌توان به این اشاره کرد که متن قطعنامه بر استقلال، حاکمیت، اتحاد و تمامیت ارضی عراق و سوریه تأکید دارد. در متن قطعنامه آمده است: «اقدامات تروریستی در هر شکلی، یکی از جدی‌ترین تهدیدات برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود و هر گونه اقدام تروریستی در هر زمان و مکانی که صورت گیرد، بدون در نظر گرفتن انگیزه آن، جنایت محسوب می‌شود و غیر قابل توجیه است.»

این قطعنامه از این جهت که محدودیت‌هایی را علیه این گروه‌ها و حامیان آنها در نظر می‌گیرد، اقدامی در مبارزه با تروریسم محسوب می‌شود.^۱ از این رو، این قطعنامه ضمن اینکه در شورای امنیت با اجماع اعضای شورای امنیت به تصویب رسید، در خارج از شورا نیز با استقبال کشورهای جهان به خصوص دولت‌های سوریه و عراق روبه‌رو شده که طی سالیان متمادی و به ویژه از سال ۲۰۱۴، بیش از دیگر کشورهای جهان قربانی حملات تروریستی و دیگر اقدامات دهشتناک و تروریستی گروه‌های داعش و النصره شده‌اند.

با این حال، در راستای اقدامات دهشتناک و تروریستی داعش، راهبرد و سیاست‌های تقنینی شورای امنیت، به ویژه بیانیه‌ها و قطعنامه‌های صادره تحت بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. البته، برای پیگیری و تعقیب اقدامات تروریستی ارتكابی از سوی داعش، لازم است ضمن تطبیق اقدامات تروریستی با اسناد بین‌المللی، به ویژه کنوانسیون‌های ضد تروریسم و اساسنامه رم، اقدامات مزبور تحت بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۱. این قطعنامه، آثار منفی اعتقادی و اقدامات خشونت‌آمیز افراطی آن بر ثبات منطقه‌ای و تأثیر مخرب بشردوستانه بر جمعیت‌های انسانی و نقش این گروه‌ها در شعله‌ورنمودن تنش‌های منطقه‌ای را به عنوان علل «تضعیف ثبات بین‌المللی» می‌داند. در راستای تحریم‌های مقرر در قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت راجع به اشخاص و موجودیت‌های وابسته به القاعده صورت پذیرفت، شش نفر از اعضای گروه‌های فوق‌الذکر را که ابوبکر البغدادی -سرکرده داعش- را تحت پوشش قرار نداد، به اتهام نقض شدید، سازمان‌یافته و گسترده حقوق بشر که می‌تواند از مصادیق جنایات علیه بشریت بوده محدودیت‌های مسافرتی، استرداد دارایی‌ها و سایر اقدامات مرتبط با تحریم‌های مقرر در قطعنامه ۱۵۴۰ در قبال ایشان مقرر نمود. با این حال، قطعنامه تصریح داشته که دولت‌ها باید از اعزام جنگجویان خارجی به سوریه و عراق و یا تسهیل دسترسی آنها به تسلیحات و فناوری، چه با فعل و چه با ترک فعل، اجتناب نمایند و مقرر داشته که گروه نظارت تحریم‌های مقرر در قطعنامه ۲۱۷۰ می‌بایستی منابع تسلیحاتی، تأمین مالی، استخدام و جمعیت‌شناسی داعش و جبهه النصره و سایر گروه‌های وابسته به القاعده در سوریه و عراق را مورد ارزیابی قرار داده و پیشنهاد خود را ظرف نود روز از اجرای قطعنامه به شورای امنیت گزارش دهد. همچنین، امکان فرارگرفتن اشخاص و موجودیت‌های جدید که به تسهیل مسافرت و به کارگیری افراد در داعش و النصره اقدام می‌نمایند، در لیست تحریم‌های مقرر در قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت وجود دارد.

See: <http://www.un.org/press/en/2014/sc11520.doc.htm>

۱. شورای امنیت و سیاست‌های دوگانه

عملکرد شورای امنیت و سازمان ملل متحد در دهه اخیر نشان می‌دهد برخورد این نهادها با موضوع تروریسم همواره گزینشی و دوگانه بوده است (حبیب‌زاده و توحیدی‌فر، ۱۳۸۰: ۲۲-۱۶). به عنوان نمونه می‌توان به نحوه برخورد با گروهک تروریستی منافقین و ارتباط آمریکا با این گروهک اشاره کرد. این گروهک که جنایات بی‌شماری را علیه مردم مظلوم ایران مرتکب شده، همواره زیر چتر حمایت آمریکا قرار داشته، به طوری که با تلاش‌های آمریکا، نام آن از فهرست گروه‌های تروریستی خارج شد. در حالی که همان گونه که اشاره شد، یکی از بندهای قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت، عدم اعطای پناهگاه امن به افرادی است که در اقدامات تروریستی نقش داشته‌اند.

با اتخاذ تدابیر روشن‌بینانه باید تمایز بین پدیده شوم تروریسم و تلاش‌های مشروع نهضت‌های آزادی‌بخش را آشکار ساخت. باشناسی علل و ریشه‌های تکوین تروریسم و تلاش در جهت از میان برداشتن این علل می‌تواند در زدودن غبار این پدیده از چهره جامعه بین‌المللی مؤثر باشد و در نهایت، توصیه برای روی‌آوری به اخلاق بشری و آنچه نوع بشر آن را اخلاق ستوده و پسندیده به حساب می‌آورد نیز می‌تواند انسان‌ها را در مداری به دور از تروریسم و حول زندگی بشردوستانه به تداوم زندگی سوق دهد (دونل، ۱۳۹۱: ۲۸۷-۲۸۶).

شورای امنیت در مورد گروه داعش تا کنون دو بیانیه مطبوعاتی رئیس شورا و یک قطعنامه (قطعنامه ۲۱۷۰) به اتفاق آرا صادر کرده است. در این اسناد، هرچند داعش به عنوان گروه تروریستی شناخته شده، اما از مقوله جنایات جنگی این گروه تروریستی در مناطق مختلف عراق نامی به میان نیامده است. در واقع، پس از بررسی و ارزیابی اسناد مصوب از سوی شورای امنیت (به ویژه قطعنامه ۲۱۷۰) راجع به گروه داعش موارد زیر قابل استنباط است:

الف. داعش، به عنوان گروه تروریستی تلقی شده است؛

ب. تهدیدهای داعش در سه بُعد مردم عراق، کشور عراق و منطقه محرز شده است؛

ج. این گروه تروریستی تحریم شده است؛

د. آثار غیر انسانی اقدامات این گروه در عراق که همراه با حملات مسلحانه بوده، محرز و

شناسایی شده است؛

هـ خرید نفت از داعش ممنوع اعلام شده است؛

ر. تردد اعضای داعش و استفاده از قلمرو دولت‌های منطقه، ممنوع شده است.

با وجود این، افزون بر اقدام شورای امنیت در این زمینه، تنظیم یک بیانیه مطبوعاتی از سوی رئیس دوره ای شورای امنیت است^۱؛ بیانیه در ۱۱ ژوئن ۲۰۱۴ به وسیله «ویتالی چورکین»^۲ رئیس دوره ای شورای امنیت به صورت مطبوعاتی ارائه شده است.

بیانیه مزبور میان اسنادی که شورای امنیت منتشر می‌کند، دارای پائین‌ترین درجه اهمیت بوده و فاقد اعتبار حقوقی است. با این حال، شورای امنیت در این موارد تلاش کرده با واکنش مطبوعاتی به یک سلسله پدیده‌های بین‌المللی، خود را از اتهام «عدم رسیدگی» یا «چشم‌پوشیدن بر تحولات» مبرا سازد.

البته، این بیانیه‌ها به نام اعضای شورای امنیت منتشر می‌شود و در عبارات آن، از اینکه «اعضای شورای امنیت» چه نگاه و برداشتی دارند، یاد می‌گردد. در بیانیه مزبور راجع به عراق، نکاتی وجود دارد که در مجموعه توصیف‌ها، تحلیل‌ها و همچنین مفاهیمی که در اتخاذ اقدامات بایسته بین‌المللی دخیل هستند، قابل توجه می‌باشند. از این رو، می‌توان به مفاهیم این بیانیه در راستای واکنش بین‌المللی مؤثر به گروه داعش و تهدیدهای منطقه‌ای آن توجه نمود. در واقع، شورای امنیت از اینکه اقدامات تروریستی داعش را در قالب دیگر مفاهیم امنیتی و حقوقی بتوان توصیف کرد، پرهیز نموده است. در این رابطه، سه مفهوم ویژه در حقوق بین‌المللی و به ویژه در پرتو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، وجود دارد:

۱. در بیانیه رئیس شورای امنیت که در شش بند تنظیم شده، مفاهیم متعددی وجود دارد که از نظر تحلیلی می‌توان در توصیف وضعیت عراق، گروه داعش و حتی واکنش بین‌المللی به جنایات ارتكابی گروه داعش از مفاد آن استفاده نمود. در این رابطه، به اهم موارد و مفاهیم این بیانیه اشاره می‌گردد: الف. شناسایی ماهیت گروه داعش؛ شورای امنیت در این بیانیه بلافاصله با این عبارت آغاز می‌کند که دولت اسلامی عراق و شام، سازمان تروریستی است. این توصیف از داعش به معنای تکمیل اقداماتی خواهد بود که در سطح ملی و توسط برخی کشورها در رابطه با قرارداد نام داعش در گروه‌های تروریستی به عمل آمده است. ب. اقدامات تروریستی داعش؛ از دیدگاه شورای امنیت، اقدامات داعش در عراق، ماهیت تروریستی دارند و از این رو، در چارچوب موازین و هنجارهای مرتبط با «راهبرد جهانی ضد تروریسم» قابل تعقیب، پیگیری و واکنش هستند.

2. Vitaly Churkin

الف. «حمله مسلحانه»؛ همان مفهومی که در ماده ۵۱ منشور مقرر گردیده و اجازه دفاع مشروع را در مقابل آن می‌دهد (طالقانی و نمایان، ۱۳۹۳: ۱۰۷-۹۸).

ب. «درگیری مسلحانه»؛ مفهومی که حکایت از مخاصمه غیر بین‌المللی یا بین‌المللی می‌دهد و در نتیجه، با اعمال حقوق مخاصمات مسلحانه (از جمله حقوق بشردوستانه) همراه خواهد بود. در پرتو همین وضعیت است که ارتکاب جنایات علیه غیر نظامیان یا غارت اموال آنها، تحت عنوان جنایت جنگی قابل تعقیب خواهد بود (ر.ک: سرتیپی، بردبار و موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۱-۵۵).

ج. «حمله تروریستی»؛ مفهومی که صرفاً مؤید وجود یک گروه تروریستی و اقدامات آن به صورت مسلحانه علیه امنیت گروه یا منطقه در یک کشور است و البته در مورد تروریسم بین‌المللی، این گستره به صورت فراملی خواهد بود.

شورای امنیت با اتخاذ سیاستی دوگانه راجع به ماهیت و مفهوم اقدامات تروریستی داعش، تنها بر مفهوم سوم (حمله تروریستی علیه گروهی از مردم عراق و یا مناطق آن) تأکید نمود. البته، اقدامات تروریستی داعش در مورد تهدید سایر کشورهای منطقه را هم تحت عنوان «تهدید منطقه» تصریح کرده، ولی هیچ سازوکاری متناسب با واکنش به یک تهدید آینده منطقه‌ای مقرر ننموده است.

در این زمینه، البته دولت عراق می‌تواند حقوق و راهبردهای ملی خود علیه تروریسم را در ابعاد مختلف اعمال و اجرا نماید. با این حال، عراق بعد از اشغال، هنوز قادر به ایجاد رویه حقوقی ضد تروریستی نبوده و از ضعف‌های مهمی رنج می‌برد و فاقد ساختارهای هنجاری، پیگیری و اقدام ضد تروریستی است.

د. «جنایات داعش»؛ شورای امنیت در این بیانیه، موارد متعددی از جنایات این گروه را در کشتار غیر نظامیان و نیروهای پلیس؛ آواره کردن صدها هزار نفر از سکنه عراق، ناپدیدشدن گسترده مردم؛ گروگان‌گیری مأموران کنسولی و سیاسی دولت‌های خارجی نام برده است. با این حال، هیچ یک از موارد فوق را تحت عنوان «جنایت بین‌المللی» نشمرده و تنها به مثابه «حمله تروریستی» یا «اقدام تروریستی» تلقی کرده است (مجمع جهانی صلح اسلامی، ۱۳۹۳: ۸-۷). با این حال، شورا نسبت به مؤلفه‌های حقوقی زیر اقدام و تصمیمی را اتخاذ نکرده است:

الف. اقدامات نظامی داعش در برابر ارتش عراق، به عنوان درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی تلقی می‌شود. البته، شورا به طوری کلی نسبت به نقض حقوق بشردوستانه توسط داعش، نظر داده که می‌تواند تلویحاً به معنای قبول ماهیت درگیری مسلحانه در توصیف عملکرد داعش و وضعیت عراق باشد.^۱

ب. با اینکه نقض‌های گسترده‌ای از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به ویژه غیر نظامیان، زنان و کودکان و اقلیت‌ها و همچنین، نمایندگان سیاسی دیگر کشورها و حمله به اماکن دیپلماتیک و کنسولی مطرح شده، شورا دقیقاً ارتکاب جنایات بین‌المللی اعم از جنایات جنگی یا علیه بشریت را احراز نکرده است (ر.ک: نمایان و طیبی، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۰۲).

با وجود این، احراز جنایات بین‌المللی اقدامی حقوقی و منوط به رسیدگی‌های قضایی است، اما بر اساس گزارش‌های متعدد بین‌المللی، اعم از دولتی و غیر دولتی، ارتکاب جنایات جنگی و علیه بشریت شامل اعدام‌های خودسرانه، قتل افراد غیر نظامی، غارت اموال عمومی و خصوصی، تخریب آثار تاریخی و مذهبی، کشتار اعضای گروه‌های مذهبی و قومی به ویژه اقلیت‌ها، تجاوز جنسی به عنف، ارعاب جمعیت غیر نظامی، صدور دستور قتل عام بدون امان، محرز شده است (نمایان، ۱۳۸۶: ۱۱-۷). انتشار گسترده تصاویر مربوط به این جنایات در سطح بین‌المللی، هر گونه تردید در خصوص این جنایات را منتفی کرده است. از این رو، شورا می‌توانست به طرق زیر در برابر این «وضعیت» اقدام نموده و به اتخاذ تصمیم بپردازد:

الف. محکومیت نقض گسترده حقوق بشر و بشردوستانه و احتمال ارتکاب جنایات بین‌المللی توسط داعش؛

ب. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب در رابطه با جنایات بین‌المللی داعش؛^۲

1. 'Report on the Protection of Civilians in Armed Conflict in Iraq: 6 July – 10 September 2014'. United Nations, 26 September 2014, Geneva. Retrieved 11 November 2014.

۲. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب اگر ناظر بر شناسایی اعضا، رهبران و کانال‌های ارتباطی و تغذیه‌کننده داعش باشد، تأسیسی است که در قطعنامه ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ توسط شورا پیش‌بینی شده است. این کمیته ضد تروریستی شورای امنیت، همان کمیته‌ای است که بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر برای پالایش کلیه گروه‌های تروریستی تحت نظر شورای امنیت شکل گرفته، اما تا کنون به دلایلی ظرفیت‌های این کمیته که در قطعنامه‌های شورای امنیت برای گروه داعش مورد تأکید قرار گرفته، به فعلیت در نیامده و یکی از دلایل آن ارتباط پیوسته برخی از اعضای شورای امنیت و متحدین آنها با داعش، خواه در مرحله شکل‌گیری این گروه و خواه در تقویت و راهبری آنها در شرایط فعلی است.

ج. درخواست از دیوان بین‌المللی کیفری برای بررسی جنایات بین‌المللی در درگیری غیر بین‌المللی داعش در عراق از آغاز تا کنون.

بنابراین، آنچه مطابق مفاد بیانیه مطبوعاتی شورای امنیت به ذهن متبادر می‌گردد، این است که بیانیه مزبور از به کار بردن ماهیت اقدامات خشونت‌آمیز تروریستی گروه داعش خودداری نموده و فقط از گروگان‌گیری و ناپدید شدن صدها هزار نفر و تلاش این گروه برای ایجاد بی‌ثباتی در عراق سخن به میان آمده است. دلیل اصلی این امر هم آن است که سعی شده مطالبی در بیانیه مطبوعاتی شورای امنیت عنوان شود که در نهایت از ورود به فصل هفتم منشور شورای امنیت جلوگیری شود. اقدامات تروریستی داعش با قوانین فعلی و حقوقی عراق قابل بررسی و رسیدگی است، اما شورای امنیت با بیانیه مطبوعاتی خود بار مسئولیت در قبال داعش را بر عهده دولت عراق قرار داده و از اینکه جامعه بین‌المللی مسئولیتی را برای مقابله با این گروه بپذیرد، جلوگیری کرده است. با وجود این، شورا نمی‌بایست به تروریست انگاشتن این گروه و اتخاذ تدابیر تحریمی و کنترلی این گروه در قالب قواعد ضد تروریسم اکتفا می‌کرد، بلکه اقدامات تروریستی داعش در عراق که با تشکیل دستجات نظامی، تجمیع تجهیزات سنگین جنگی و غارت انبارهای نظامی عراق در مناطق تحت اشغال و همچنین، تجهیز از منابع دولت خارجی همراه بوده، دارای سطح درگیری مسلحانه غیر دولتی است.^۱ شورای امنیت در قطعنامه ۲۱۶۹ مورخ ۳۰ جولای ۲۰۱۴، داعش را به عنوان گروه تروریستی شناخته و نسبت به حمله‌های گسترده تهاجمی این گروه و گروه‌های تروریستی وابسته به آنها که به خسارات شدید انسانی منجر گردیده، ابراز نگرانی جدی کرده، اما تمرکز اصلی شورا در این قطعنامه عمدتاً بر سرزمین و وحدت ملی عراق بوده و خسارات و صدمات انسانی اقدامات این گروه آن گونه که بایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است.^۲

کمیسیون عالی حقوق بشر عراق که نهادی دولتی است، با صدور بیانیه‌ای مقرر داشته عناصر داعش نسل‌کشی و جنایات ضد بشری علیه اقلیت‌ها در عراق مرتکب شده‌اند و این امر ایجاب می‌کند جامعه بین‌المللی جلسه فوری شورای امنیت و شورای حقوق بشر ملل

1. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930403001405#sthash.NPYbUyWs.dpuf>

2. Security Council/RES/2169 (2014)

متحد^۱ در ژنو را برگزار کند تا جنایات داعش علیه اقلیت‌ها و سایر اقشار مردم عراق را نسل‌کشی و جنایت ضد بشری قلمداد و عاملان آن را در دیوان بین‌المللی کیفری مورد پیگرد و مجازات قرار دهد.

افزون بر اقدامات مزبور، شورای امنیت سازمان با تصویب قطعنامه ۲۱۷۰ بر نقض گسترده و سازمان‌یافته حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط گروه تروریستی «دولت اسلامی عراق و شام» و «جبهه النصره» در قلمرو سرزمینی عراق و سوریه تأکید نمود.^۲

شورای امنیت ملل متحد با تأکید بر مسئولیت مرتکبان نقض حقوق بشر و «حقوق بشردوستانه» در عراق و سوریه بر لزوم پاسخ‌گویی ایشان در قبال جرایم ارتكابی، به خصوص در ارتباط با «تعقیب و آزار» اقلیت‌ها تأکید کرده است. قطعنامه شورای امنیت با تأکید بر «گسترده‌بودن» و «سازمان‌یافته» بودن این نقض‌ها و با اشاره به برخی رفتارهای ناقض قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مانند حمله قاصدانه به غیر نظامیان یا تخریب اماکن مذهبی و فرهنگی، از احتمال ارتكاب «جنایت علیه بشریت» نیز سخن رانده است.

قطعنامه شورای امنیت، هرچند به برخی از محورهای مورد نظر راهبرد اوپاما علیه داعش یعنی ظرفیت‌سازی در دولت‌های در معرض خطر داعش به منظور جلوگیری از رشد این گروه‌ها اشاره کرده و البته، آنها را مقید به رعایت موازین بین‌المللی و تمامیت ارضی دولت‌های مذکور نموده، اما اجازه اقدامات یکسویه برای بسط ناامنی و بی‌ثباتی در جهان به بهانه مقابله با تروریسم را نداده است. از این حیث، این قطعنامه بیش از آنکه غربی‌ها آن را

۱. کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد که در نشست ویژه شورای حقوق بشر ملل متحد، مأمور تحقیق درباره نقض حقوق بشر در عراق شده بود، در سیزدهم مارس ۲۰۱۵ گزارش خود را مبنی بر ارتكاب جنایات بین‌المللی همچون جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی ارائه نمود. گزارش تنظیمی به طیف گسترده‌ای از نقض حقوق بشر شامل کشتار، شکنجه، برده‌گیری جنسی، تجاوز، تغییر اجباری باورهای مذهبی و سربازگیری کودکان اشاره دارد که برخی از آنها به آستانه جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت رسیده‌اند.

See: Human Rights Council, "Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights on the Human Rights Situation in Iraq in the Light of Abuses Committed by the so-called Islamic State in Iraq and the Levant and Associated Groups", Twenty-eighth session, A/HRC/28/18, 13 March 2015.

1. Security Council/RES/2170 (2014)

مهر تأیید جهانی بر راهبردهای خود علیه داعش می‌پندارند، تأییدی بر نیاز فوری به کنترل تردد «جنگجویان تروریست خارجی» است که مبدا تهدیدهای آنها، دامن اروپا و آمریکا را بگیرد. به طور کلی، اوصاف و کارکردهای این قطعنامه و پیامدهای آن را می‌توان در قالب چهار نکته زیر جمع‌بندی و ترسیم نمود (ساعد، ۱۳۹۳: ۵-۳):

نخست، کارکرد این قطعنامه به منزله تضمین حصر گروه‌های تروریستی در منطقه است. به واقع، مرکز ثقل این قطعنامه، قطع خطوط ارتباط افراد در سایر کشورها با داعش و النصره، یعنی مانع شدن از عضویت آنها در این گروه‌های تروریستی است و نه نابودسازی گروه‌های مذکور.

این قطعنامه، رشد کمی و کیفی داعش و النصره را با مجموعه از تدابیر کنترلی پیش‌بینی کرده، بدون آنکه برای کاهش قدرت عمل و ظرفیت‌های فعلی این گروه‌ها و نهایتاً نابودسازی آنها تدبیر ویژه‌ای را مقرر کرده باشد. از این حیث، این قطعنامه نیز ادامه همان قطعنامه‌های ۲۱۶۹ و ۲۱۷۰ در مورد حصر گروه‌های تروریستی در منطقه و جلوگیری از خطر بازگشت اعضای خارجی آنها به کشورهای اروپایی و آمریکایی است.

دوم، کلی بودن این قطعنامه است، به طوری که جنبه‌های ضد داعشی آن بسیار کمتر از جنبه‌های کلی آن است. در واقع، این قطعنامه عمدتاً به عنوان قطعنامه علیه تروریسم است و نه علیه داعش. این در حالی است که قطعنامه‌های ۲۱۶۹ و ۲۱۷۰، به صورت خاص علیه داعش و النصره تدوین شده بودند.

سوم، در هیچ‌جائی از این قطعنامه، ائتلاف ضد داعش مورد نظر آمریکا به رسمیت شناخته نشده است. بنابراین، این قطعنامه کارکردی برای تأیید شکلی یا ماهیتی این ائتلاف ندارد و نهایتاً اینکه این قطعنامه به هیچ وجه به طور مستقیم اجازه عملیات نظامی علیه داعش را اعطا نکرده، بلکه به صورت مشخص و بیش از سیزده مرتبه، تأکید کرده که اقدامات بین‌المللی و فردی باید با رعایت موازین بین‌المللی و منشور ملل متحد باشند. از این رو، این قطعنامه بیش از آنکه مستندی برای راهبرد نظامی آمریکا در سوریه و عراق باشد، علیه این کشور قابل استناد است.

به طور کلی، شورای امنیت بار مسئولیت مقابله با داعش را بر عهده دولت عراق قرار داده و از همکاری ساختارهای سیاسی داخل عراق از جمله حکومت اقلیم برای حفظ وحدت سیاسی و مقابله با تروریسم استقبال نموده و در نتیجه، هیچ گونه همکاری بین‌المللی خاصی را در مقابله با داعش مد نظر قرار نداده است.

تحریم داعش، به طور قطع یکی از راه‌کارهای مؤثر علیه این گروه و ادامه حیات آن خواهد بود، اما هیچ گونه سازوکار بین‌المللی برای اجرایی کردن این تحریم‌ها و نظارت بر آنها وجود ندارد. ضمن اینکه در مورد تحریم داعش، هنوز هیچ فهرستی شامل سران و اعضای آن وجود ندارد تا دولت‌ها قادر به شناسایی و برقراری ممنوعیت‌های مسافرت، تأمین مالی و گردش کاری آنها باشند.

گفتنی است تحریم «مسافرتی» این گروه و اعضای آن، با تأمین امنیت غرب در برابر «گروه‌های تروریستی تکفیری» ارتباط پیوسته و عمیق دارد.^۱ نگرانی آنها از اینکه اعضای این گروه (به ویژه اتباع اروپایی و آمریکایی که به عضویت آن درآمده‌اند و با حمایت غرب جهت حضور و فعالیت در این گروه، به عراق و سوریه مسافرت کرده‌اند) دوباره به غرب بازگشته و منشأ اقدامات تروریستی نظیر آن چیزی شوند که در بمب‌گذاری بلژیک تجسم یافته، اصلی‌ترین محوری است که غرب هم در تقابل با گروه داعش موافق است (جوذکی، ۱۳۹۳: ۳۴).

۲. رسیدگی به اقدامات تروریستی داعش در محاکم کیفری بین‌المللی

جنایات ارتكابی داعش بر کسی پوشیده نیست؛ جنایاتی که در سوریه و عراق رقم خورده و مورد تأیید کشورهای داعیه‌دار حقوق بشر هم قرار دارد. بنابراین، اقدامات تروریستی داعش سبب شده ضمن بروز مخاطرات جهانی، ائتلافی در بیش از چهل کشور جهان برای برخورد با گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه به وجود آید.

۱. لازم به ذکر است مقصود از منع مسافرت اعضای داعش این است که اعضای این گروه یا همچنان در عراق باقی بمانند و یا دولت مرکزی با تسلط بر اوضاع، مبادرت به دستگیری و مجازات آنها بنماید. در هر دو صورت، منافع غرب تأمین خواهد شد.

با توجه به پیوستن تروریست‌های خارجی به داعش و النصره از طریق سربازگیری و حمایت مستقیم مالی از آنان، ضمن تحریم شش نفر از اتباع عربستان، کویت، الجزایر و عراق، تدابیر مهم اجرایی از قبیل انسدادهای اموال، منع سفر و تحریم تسلیحاتی برای افراد گروه‌های داعش، جبهه النصره و نهادهای وابسته به القاعده و نیز حامیان مالی و کلیدی آنان پیش‌بینی و در این قطعنامه ذکر شود تا اقدامات مذکور به فوریت اجرایی شوند (بوجاری، ۱۳۹۳: ۱۴).

اولین جنبه رسیدگی به اقدامات تروریستی داعش از حیث حقوق مبارزه با تروریسم بوده که در این زمینه، احراز و اثبات تروریستی بودن جنایات ارتكابی در چارچوب معیارهای بین‌المللی است. از این رو، دو معیار برای شناسایی هر گروه به عنوان گروه تروریستی در حقوق بین‌الملل وجود دارد:

معیار اول، اینکه اگر ماهیت گروه بر خلاف حقوق بین‌الملل باشد، می‌تواند گروه را تروریستی جلوه دهد.

معیار دوم، اقدامات گروه است که داعش بر مبنای هر دو معیار تروریستی محسوب می‌شود و بر همین اساس، لازم است دولت عراق و سایر دولت‌ها از طریق شورای امنیت سازمان ملل تلاش کنند ضمن درج نام داعش در لیست سازمان‌های تروریستی، آثار حقوقی متعدد بر عملکرد این گروه و حامیان آن اعمال گردد (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۷).

شورای امنیت سازمان ملل متحد از کلیه دولت‌ها درخواست کرده و طبق قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱)، در مقابله با سازمان‌دهندگان و تأمین‌کنندگان اقدامات تروریستی، ضمن همکاری با این نهاد بین‌المللی، تدابیر ملی را به منظور پیش‌گیری از سرآزیرشدن تروریست‌های خارجی به عراق و سوریه به کار گیرند. به علاوه، از هر گونه تأمین مالی برای اقدامات تروریستی پیش‌گیری نموده و مانع از فراهم شدن حمایت‌های مالی از گروه‌های تروریستی مذکور شوند. همچنین، شورای امنیت از سایر دولت‌ها خواسته هیچ گونه دارایی مالی یا منابع اقتصادی مستقیم و غیر مستقیم در اختیار گروه‌های تروریستی مذکور قرار ندهند و شهروندان خود را نیز از هر گونه کمک یا خدماتی در این زمینه منع کنند (نماینان و عباسی، ۱۳۹۱: ۱۵۲ - ۱۴۹).

مطابق مفاد مقرر در قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت، ضمن محکومیت هر گونه مبادله مستقیم یا غیر مستقیم با گروه‌های تروریستی، بر قرارگرفتن مجرمین در فهرست تحریم‌ها تأکید شده است. همچنین، این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی درباره استفاده از وسایل نقلیه از جمله هواپیما برای انتقال طلا و دیگر اقلام باارزش و منابع اقتصادی برای فروش در بازارهای بین‌المللی در نواحی تحت کنترل داعش، اقدامات خاطیان را سبب انسداد دارایی آنان برشمرده و اینکه شورای امنیت برای مهار تروریسم و عدم تسری آن به سایر کشورهای جهان در چارچوب حقوقی و اجرایی قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت، از محتوای دو قطعنامه ۲۱۶۰ و ۲۱۶۱ که طالبان، القاعده، تکفیری‌ها و النصره را هدف قرار داده، پیروی کرده و تحریم را به عنوان ابزار مشترکی در هر سه قطعنامه برای کنترل، تضعیف و محدودیت گروه‌های تروریستی به کار گرفته است (ایرانی، ۱۳۹۳: ۴۴).

این قطعنامه درباره چگونگی بازخواست و محاکمه کشورهای حامی داعش که در شکل‌گیری و تجهیز گروه مذکور دخالت داشته‌اند و در قبال جنایات آنها دارای مسئولیت بین‌المللی هستند، اعلام داشته که به دلیل فراملی بودن آثار جنایات تروریستی داعش، به طور قطع کشورهای که در روند شکل‌گیری و حمایت از گروه‌های تروریستی مذکور به هر طریقی دخالت داشته‌اند، به موجب مقررات بین‌المللی در زمره ناقضان معاهدات بین‌المللی حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر و نیز نسل‌کشی در عراق و سوریه محسوب می‌شوند (Casey & Haber, 2014: 71-72).

علاوه بر این، گزارش‌های متعدد و مستندی در رابطه با حمایت برخی دولت‌های منطقه از فعالیت‌های این گروه در عراق و سوریه وجود دارد. بنابراین، در کنار اقدامات فاجعه‌بار داعشی‌ها در قتل‌های بی‌هدف، تخریب اماکن غیر نظامی و ارباب و به قحطی کشاندن غیر نظامیان و در نهایت، شکنجه و آواره‌سازی غیر نظامیان در عراق و سوریه، مصادیق روشنی از جرائم علیه بشریت و نسل‌کشی هستند که در این راستا، دولت‌های تشکیل‌دهنده و حامیان تسلیحاتی و مالی این گروه، در کنار عوامل مباشر این جرائم، از نظر حقوق بین‌الملل و مقررات عام‌الشمول بشر دوستانه دارای مسئولیت می‌باشند. مسئولیت دولت‌های مزبور از جهت راه‌اندازی، حمایت، تسلیح و تشویق این گروه بوده و دولت‌مردان حاکمیت‌های فوق‌الذکر نیز

علاوه بر مسئولیت کیفری فردی، دولت‌های متبوع خود را موضوع مسئولیت بین‌المللی قرار داده‌اند (دلخوش، ۱۳۹۳: ۴).

در واقع، طبق قطعنامه‌های ۱۲۶۹ و ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، اعمال و اقدامات تروریستی گروه‌های مذکور به سبب تأثیرات اقدامات جنایتکارانه، در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی این شورا محکوم شده است. بنابراین، طبق اسناد و پروتکل‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های مذکور، به دلیل زمینه‌ساز شدن نقض مقررات بین‌المللی، موجبات مسئولیت و تعقیب این گروه از کشورهای حامی گروه‌های تروریستی فراهم بوده و دولت‌های عراق و سوریه می‌توانند علیه این کشورها در محکمه بین‌المللی اقامه دعوی کنند.^۱

هرچند صدور قطعنامه ۲۱۷۰ توسط شورای امنیت موجب شکل‌گیری ائتلاف جهانی علیه داعش در صحنه بین‌المللی شده، اما این امر برای مبارزه با تروریسم و حفظ صلح کافی نبوده و تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه سران این گروه تروریستی و حامیان آنان، اقدامی لازم و عملی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در سطح جهان به شمار می‌رود (بوجاری، ۱۳۹۳: ۱۰؛ ر.ک: نامیان و سهراب‌بیگ، ۱۳۹۱: ۸۹-۸۶).

شورای امنیت ملل متحد در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ با صدور قطعنامه ۲۱۹۹ که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد و به اتفاق آراء اعضا به تصویب رسید، از دولت‌های عضو ملل متحد خواست اقدامات مؤثری برای جلوگیری از تأمین مالی گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه که از طریق تجارت نفت، قاچاق اموال باستانی و مابه‌ازای گروگان‌ها و همچنین دریافت کمک‌های مالی فراهم می‌شود، اتخاذ کنند. شورا تأکید کرد که تجارت مستقیم یا غیر مستقیم نفت و پالایش محصولات نفتی و مواد مربوطه، موضوع قطعنامه ۲۱۶۱ (۲۰۱۴) شورا است که دولت‌ها را ملزم می‌کند تضمین کنند اتباع و ساکنان شان منابع مالی یا اقتصادی را در دسترس داعش یا دیگر گروه‌های تروریستی قرار نمی‌دهند. شورا با محکومیت تخریب میراث فرهنگی در عراق و سوریه، به ویژه به وسیله داعش و جبهه

1. UN 'may include' Isis on Syrian war crimes list", BBC News. 26 July 2014. "UN accuses Islamic State group of war crimes" Al Jazeera 27 August 2014.

النصره، از دولت‌ها خواست با همکاری اینترپل، یونسکو و دیگر سازمان‌های بین‌المللی، از تجارت غیر قانونی اشیایی که از حیث فرهنگی، علمی و مذهبی ارزشمند هستند و طی مخاصمه مسلحانه از کشور اصلی شان خارج شده‌اند، جلوگیری کنند (سبزواری نژاد و نمامیان، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۱).

جرایم ارتكابی از سوی داعش، به وضوح در مواد ۵ تا ۹ اساسنامه رُم پیش‌بینی شده است. اقداماتی که توسط داعش در حال انجام است، در شمول جرائم موضوع ماده ۵ اساسنامه دیوان قرار می‌گیرد؛ جرائمی همچون اعدام‌های دسته‌جمعی و سوء استفاده جنسی و تجاوز و همچنین، شکنجه و نسل‌کشی از سوی نیروهای داعش، در این چارچوب می‌گنجد. در عین حال، دیوان برای پیگیری این جرائم باید قادر به اعمال صلاحیت خود باشد. در چارچوب مفاد مقرر در ماده ۷ اساسنامه، گروه داعش مرتکب جرایم علیه بشریت و بر اساس ماده ۸ مرتکب جرایم جنگی شده است (کوشا و نمامیان، ۱۳۸۹: ۳۲۱-۳۱۹).

اقدامات تروریستی مطابق قواعدی در چارچوب تعریف جنایات علیه بشریت مقرر در ماده ۷ اساسنامه قرار می‌گیرد. بر این اساس، اقدامات تروریستی که به میزان کافی گستره و سازمان‌یافته و در راستای پیشبرد سیاست دولتی یا سازمانی باشند، می‌تواند در چارچوب تعریف جنایات علیه بشریت قرار گیرد. البته، این رویکرد با موانعی جدی روبه‌روست؛ از جمله اینکه، از ارکان تروریسم، قصد اشاعه رعب، هراس، وحشت یا مرعوب ساختن جمعیت، یا وادار ساختن دولت یا سازمان بین‌المللی برای ارتکاب فعل یا ترک فعل است. اگر قرار بود در چارچوب ماده ۷ با اقدامات تروریستی مقابله شود، هیچ گزارش خاصی از این معیار اخذ نمی‌شد. افزون بر این، ماده مزبور تروریسم و مبارزات رهایی‌بخش ملی را تفکیک ننموده است (صابر و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۶۲). با وجود این، ماده ۱۲ اساسنامه سه احتمال مفروض است (فهیم دانش، ۱۳۹۴: ۳):

اول، جنایات در قلمرو سرزمینی صورت گرفته باشد که عضو دیوان است. در این حالت، دادستان صلاحیت پیگرد متهم را دارد و کشور ثالث نیز موظف به همکاری با دیوان است. در خصوص اقدامات تروریستی داعش، سوریه و عراق در زمره دولت‌های عضو نمی‌باشند و در

نتیجه، بررسی جرائم ارتكابی توسط اعضای داعش در این کشورها، هرچند شدیدترین جرایم مورد اهتمام جامعه جهانی است که صلح و امنیت و رفاه منطقه و جهان را نیز به مخاطره انداخته، نمی‌تواند در چارچوب اختیارات دیوان کیفری بین‌المللی از حیث عدم صلاحیت سرزمینی قرار گیرد.

دوم، ماده ۱۲ اساسنامه در صورتی است که مرتکب، تبعه کشور امضاکننده باشد. در این صورت، دادستان با هیچ مانعی برای پیگرد متهم مواجه نیست. هم‌اکنون، بنا بر اظهارات هماهنگ‌کننده امور مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا، حدود سه هزار تبعه کشورهای اروپایی در سوریه و عراق به داعش پیوسته‌اند.

سوم، شورای امنیت سازمان ملل متحد از دیوان بخواهد به وضعیتی رسیدگی کند. در این حالت، بنا بر آنچه از مفاد ماده ۱۲ و رویه دیوان کیفری بین‌المللی و شورای امنیت استنباط می‌شود، دیوان خود باید در خصوص اعمال صلاحیت تکمیلی بر وضعیت ارجاع‌شده تصمیم‌گیری نماید.

همچنین به استناد اصول کلی که در مواد ۲۲ به بعد اساسنامه وجود دارد، هر گونه معاونت و مشارکت با این گروهک جرم محسوب می‌شود. با این تفاسیر، اصل جرمی که داعش در حال ارتکاب آن است و نیز معاونت و شراکت با آنها در زمره جرایم علیه بشریت محسوب می‌شود و مرتکبان این جرم و معاونان و مشارکت‌کنندگان در این جرم نیز قابل تعقیب و پیگیری هستند (نمایان و منیبی، ۱۳۸۷: ۱۵).

با وجود این، اثبات جرایم ارتكابی توسط داعش، موضوع چندان پیچیده‌ای نیست که یک کمیته حقیقت‌یاب در صدد بررسی ابعاد گوناگون موضوع و تحقیقات لازم باشد. اساسنامه رُم به صراحت جرایم ارتكابی را پیش‌بینی کرده و مؤثرترین راهبرد برای تعقیب کیفری این جرایم مطابق اساسنامه، آن است که شورای امنیت سازمان ملل متحد این موضوع را درخواست کند تا با این درخواست، کشورهایی که معاونت و مشارکت کرده‌اند، تحت تعقیب کیفری قرار گیرند (نمایان، ۱۳۹۰: ۶۷-۶۳).

افزون بر این، در چارچوب حقوق بین‌المللی کیفری، مخاصمات کنونی در عراق و سوریه، مخاصمه غیر بین‌المللی محسوب می‌شوند و با توجه به اینکه برخی از قواعد مذکور در اسناد حقوق بشردوستانه جنبه عرفی داشته‌اند، هر گونه تخلف از معیارهای عرفی مربوطه می‌تواند جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت محسوب شود و مرتکبین و حامیان جنایات اخیر در عراق و سوریه مسئولیت کیفری پیدا می‌کنند. از این رو، می‌توان اقدامات داعش را منطبق با تعریف نسل‌کشی برابر آنچه در ماده یک کنوانسیون نسل‌کشی مقرر شده قلمداد نمود و خواهان اقدامات حقوقی مؤثر در سطح جهانی برای پیش‌گیری از استمرار جرایم ارتكابی این گروه شد (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۱۲).

البته، تأسیس یک محکمه کیفری بین‌المللی ویژه برای سوریه با صدور قطعنامه از سوی شورای امنیت می‌تواند جایگزینی برای محاکمه تروریست‌های تکفیری در دیوان باشد. تأسیس چنین دادگاهی با دو ایراد عمده مواجه است (آقایی جنت‌مکان و قریشی، ۱۳۹۲: ۱۰۰۴):

نخست، ایجاد آن به اراده شورای امنیت بستگی دارد. بنابراین، با امتناع شورای امنیت از ارجاع وضعیت سوریه به دیوان کیفری بین‌المللی، بعید است اراده کافی برای تأسیس نهاد کیفری بین‌المللی ویژه بحران سوریه وجود داشته باشد.

دوم، یکی از دلایلی که دیوان کیفری بین‌المللی تأسیس گردید، پرهیز از دادرسی‌های طولانی و پرهزینه‌بودن محاکم کیفری ویژه بوده است؛ چراکه تشکیل مجدد چنین دادگاهی به رغم وجود دیوان، نوعی ارتجاع و بازگشت به گذشته خواهد بود.

علاوه بر این، تأسیس محکمه کیفری مختلط در سوریه بستر ساز مقابله با بی‌کیفری و اجرای عدالت در فقدان محاکمه در دادگاه‌های داخلی سوریه و دیوان خواهد بود. یکی از ویژگی‌های این محاکم، ترکیب قضاوت و پرسنل ملی و بین‌المللی است، به شکلی که قضاوت و مشاوران بین‌المللی می‌توانند در کنار کارمندان داخلی کار کنند. در واقع، مشارکت قضاوت بین‌المللی نه تنها باعث می‌شود قضاوت این دادگاه در فرض تشکیل از درجه تخصص بیشتری برخوردار باشند، بلکه سبب می‌شود رعایت اصل بی‌طرفی در دادرسی بهتر تضمین گردد.

نتیجه‌گیری

آنچه در راستای پیش‌گیری، مقابله و سرکوب کلیه اشکال و گونه‌های اقدامات تروریستی در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد، اتخاذ سیاست کیفری اصولی در مواجهه با این پدیده ضد بشری است. از این حیث، کنترل اقدامات تروریستی به سبب فقدان شناخت کافی از حیث ماهیت و همچنین، نتایج ناشی از عدم ارائه تعریفی حقوقی و مورد پذیرش جامعه بین‌الملل، دشوار به نظر می‌رسد. بنابراین، لازم است در ابتدا دولت‌ها برای پیش‌گیری و مبارزه اثربخش در مواجهه با اقدامات تروریستی (به ویژه اقدامات تروریستی گروه داعش)، در قوانین داخلی خود تدابیر جدیدی را اتخاذ نمایند و سپس، برای مقابله ثمربخش با اقدامات مزبور نسبت به تدوین و تصویب اسناد بین‌المللی مؤثر و اجتناب از «سیاست استاندارد دوگانه»^۱ همت گمارند.

استمرار آزادی عمل داعش به لحاظ نبود واکنش بین‌المللی هماهنگ و مبتنی بر حاکمیت قانون، هرچند آمیخته با مسائل بفرنج سیاسی و امنیتی است، اما نگرانی عمده برای چشم‌انداز حقوق بین‌المللی و حاکمیت قانون در منطقه خواهد بود. از این رو، جامعه حقوقی می‌تواند با استفاده مناسب از ظرفیت‌های موجود در نظام حقوق بین‌الملل، به آسیب‌شناسی، اصلاح و بازنگری هنجارها، جلب نماید.

ائتلاف میان حقوق‌دانان و به کارگیری ظرفیت‌های دکترین حقوقی در تکمیل و اصلاح قواعد و اصول متقن حقوق بین‌المللی و برقراری ارتباط قواعد موجود به قواعد متناسب و مطلوب، نتایج مناسبی از سازوکارهای جامعه حقوقی است که نشان می‌دهد این قشر از نخبگان با حفظ موقعیت پیش‌رو در قاعده‌سازی بین‌المللی، می‌توانند ایجادکننده مسیر سازگار با اهداف صلح جهانی و بایسته‌های کرامت انسانی در رویارویی با پدیده‌هایی باشند که ساختارهای رسمی بین‌المللی به دلیل ملاحظات سیاسی و امنیتی، از کنش مناسب در قبال آنها ناتوان مانده‌اند.

عدم توجه سازمان ملل متحد به تهدیدهای داعش برای صلح و امنیت بین‌المللی، آن هم در شرایطی که اقدامات این گروه در عراق به اشغال سرزمینی و نقض فاحش حقوق بشر و بشردوستانه و خشونت‌های گسترده علیه غیر نظامیان منتهی شده، اعتبار و موجودیت حقوق بین‌المللی را در منظر افکار عمومی جهان مخدوش نموده است.

پیگیری ابعاد حقوق کیفری مقابله با تروریسم و نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نیز هرچند نیازمند آستانه بالایی از هم‌گرایی و توافق در جامعه بین‌المللی است، اما از مسائل اولویت‌دار در تأمین صلح و امنیت بین‌المللی و مقابله با اقدامات تروریستی داعش به نظر می‌رسد.

انتظار می‌رود شبکه سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با صلح، حقوق بشر و بشردوستانه و همچنین نخبگان، رسانه‌ها و مجامع حرفه‌ای، مسیر ادراک جهانی از تروریسم در منطقه و ماهیت تروریستی داعش را تسهیل نموده، ائتلاف‌های مدنی و نخبگی برای برقراری صلح و مقابله با تروریسم را در سطح جهانی پیگیری نمایند.

منابع

- آقای جنت‌مکان، حسین و قریشی، سید محمد جعفر (۱۳۹۲) «سازوکارهای حقوقی کیفری بین‌الملل برای محاکمه تروریست‌های تکفیری در سوریه»، **سیاست خارجی**، شماره ۴.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۳) «خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق»، **گزارش کارشناسی**، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۱۳۷۳۹.
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۶) «بررسی قطعنامه ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با مقابله با تروریسم»، **راهبرد**، شماره ۴۳.
- ایرانی، محمد (۱۳۹۳) «داعش و القاعده»، **ماهنامه معارف**، شماره ۱۰۳، خرداد و تیر.
- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۸)، «مواضع سازمان کنفرانس اسلامی در قبال تروریسم در دو دهه اخیر»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، شماره ۴.
- بوجاری، مسعود (۱۳۹۳) «لزوم محاکمه حامیان داعش در دادگاه‌های بین‌المللی»، **حمایت**، بیست‌وسوم شهریور.
- صابر، محمود و صادقی، ولی‌الله (۱۳۹۲) «آموزه‌شناسی مسأله صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم»، **فصلنامه تعالی حقوق**، شماره ۴.
- صفوی، سیدحمزه (۱۳۹۳) «کالبدشکافی مسأله داعش و چشم‌انداز آینده همکاری یا تنازع کشورهای اسلامی منطقه خلیج فارس» [مصاحبه]، **مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام**.
- جعفرپور، جمشید و نمایان، پیمان (۱۳۹۳)، «مصادیق و معیارهای تروریسم در حقوق جنایی اسلامی»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس**، شماره ۱۷.
- عمادی، سید رضی (۱۳۹۳) «آشنایی با گروه تروریستی داعش»، **ماهنامه صف**، شماره ۳۹۹، تیر.
- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۹) «القاعده پس از ۱۱ سپتامبر (با تأکید بر عراق)»، **فصلنامه سیاست**، شماره ۲.
- فهمید دانش، علی (۱۳۹۳) «امکان مقابله حقوقی با جنایات داعش»، **خبرگزاری تحلیلی ایران (خبرآنلاین)**.
- <http://www.khabaronline.ir/detail/409751/World/middle-east>
- شهبازی، آرامش و جوادی شریف، خدیجه (۱۳۹۲) «وضعیت دولت-کشورهای ناتوان در حقوق بین‌الملل معاصر»، **پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۳۲.

- دونل، دانیل (۱۳۹۱) «معاهدات بین‌المللی ضد تروریسم و اعمال تروریستی نیروهای مسلح در درگیری مسلحانه»، ترجمه پیمان نمایان و سبحان طیبی، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۴۶.
- حاجی علی، فریبا و خالصی‌نژاد، زهرا سادات (۱۳۹۳) «تکفیر و آثار اخلاقی و اجتماعی آن»، **فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی** (فروغ وحدت)، شماره ۳۶.
- حسینی، رسول (۱۳۹۳) «علل و ریشه‌های افراطی‌گری در خاورمیانه؛ مطالعه موردی داعش»، **مجموعه مقالات اولین کنفرانس جهانی علیه افراطی‌گری و خشونت**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- جودکی، حجت‌اله (۱۳۹۳) «گفتمان تقریب و گفتمان تکفیر»، **ماهنامه نسیم بیداری**، شماره ۴۹.
- خشن، حسین احمد (۱۳۹۰) **اسلام و خشونت (نگاهی نو تکفیر و آثار اخلاقی و اجتماعی آن به پدیده تکفیر)**، ترجمه موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۵) «تکفیر و تروریسم»، **ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام**، شماره ۱۰.
- سرتیبی، حسین، بردبار، احمدرضا و موسی‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، «بررسی و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۳۸.
- ساعد، نادر (۱۳۹۳) «قطعنامه جدید شورای امنیت و ناکامی آمریکا»، به آدرس الکترونیکی: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930841>
- سبزواری‌نژاد، حجت‌اله و نمایان، پیمان (۱۳۹۳) «ارزیابی سیاست جنایی تقنینی بین‌المللی در تعقیب تروریسم با توسل به صلاحیت جهانی»، **فصلنامه رسالت حقوق کیفری** (دانشگاه حضرت معصومه «س»)، شماره ۲.
- نمایان، پیمان و سبحان طیبی (۱۳۹۱) «حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس**، شماره ۹.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و توحیدی‌فر، محمد (۱۳۸۰) «اختیارات شورای امنیت سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، **مجله دادرسی**، شماره ۳۰.
- طالقانی، حسین و نمایان، پیمان (۱۳۹۳) «اعمال دفاع پیش‌دستانه در مبارزه با تروریسم؛ نفی یا اثبات مشروعیت»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس**، شماره ۱۶.
- عبداللهی، محسن (۱۳۹۳) «میزگرد علمی بررسی جنایات گروه تکفیری داعش در عراق و سوریه از منظر موازین حقوق بین‌الملل و اندیشه اسلامی»، **کمیسیون حقوق بشر اسلامی**، تیرماه.
- دلخوش، علیرضا (۱۳۹۳) «حمایت مالی و نظامی دولت‌ها از گروه تروریستی داعش از منظر حقوق بین‌الملل»، **ر.ک سایت باشگاه خبرنگاران**، بخش سیاست خارجی: <http://www.yjc.ir/fa/news/5019425>
- کریمی، سجاد و دیگران (۱۳۸۷) «مدیریت بحران در حوادث تروریستی»، **همایش ملی مدیریت بحران**، همدان: دانشگاه آزاد اسلامی.

- کوشا، جعفر و نمایان، پیمان (۱۳۸۷) «جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۳.
- کوشا، جعفر و نمایان، پیمان (۱۳۸۷) «تروریسم هسته‌ای در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه علوم جنایی (مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران)، شماره ۳.
- کوشا، جعفر و نمایان، پیمان (۱۳۸۹) «جرم‌انگاری تروریسم و صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی»، در: حق بر صلح عادلانه، به اهتمام نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.
- گلدوزیان، ایرج و نمایان، پیمان (۱۳۸۹) «راهبرد حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با تروریسم»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، شماره ۷.
- گودرزی، هادی (۱۳۹۳) «رویکرد دوگانه غرب در مواجهه با تروریسم با تأکید بر گروه تروریستی داعش»، اندیشکده راهبردی تبیین.
- معظمی، شهلا و پیمان نمایان (۱۳۹۳)، حقوق مبارزه با تروریسم هسته‌ای در اسناد بین‌المللی، تهران: دادگستر.
- معظمی، شهلا و نمایان، پیمان (۱۳۹۴) «اعمال صلاحیت جهانی در مبارزه با تروریسم»، در مجموعه مقاله‌های تروریسم‌شناسی (رویکردهای حقوقی - فلسفی)، زیر نظر محمد آشوری، تهران: نگاه بینه.
- مجمع جهانی صلح اسلامی (۱۳۹۳) «مقابله با گروه‌های تروریستی در منطقه (به ویژه داعش) در پرتو گفتمان راهبرد حقوقی بین‌المللی علیه تروریسم»، گروه رصد و آینده‌پژوهی صلح و عدالت در جهان، گزارش راهبردی، تیرماه.
- میرعباسی، سیدباقر و عبدالله عابدینی (۱۳۹۲) «شورای امنیت و تروریسم: اشارات و تنبیهات محاکم ملی»، در جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم (مجموعه مقالات هدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی)، به اهتمام سیدقاسم زمانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- نمایان، پیمان (۱۳۸۶) «مفهوم تجاوز در معاهدات و قطعنامه‌های بین‌المللی»، مجله دادرسی، شماره ۶۱.
- نمایان، پیمان و منیبی، حمیدرضا (۱۳۸۷) «دادگاه کیفری بین‌المللی و قابل اجرا بودن دادرسی»، مجله دادرسی، شماره ۶۷.
- نمایان، پیمان (۱۳۹۰) «صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۱.
- نمایان، پیمان و عباسی، صمد (۱۳۹۱) «تأملی در قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت: تغییر ماهیت در تعهدات و الزامات حقوقی مبارزه با تروریسم»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۹.
- نمایان، پیمان و بیگ، محمد سهراب (۱۳۹۱) «مبارزه با تروریسم؛ راهبردی موثر در تحقق صلح عادلانه جهانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، شماره ۶.

هوشی سادات، سید محمد (۱۳۹۳) «داعش؛ میراث سیاست غربی - عربی»، گزارش کارشناسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۱۳۷۶۱.

- Abi-Habib, Maria (2014) "Iraq's Christian Minority Feels Militant Threat", the **Wall Street Journal**, Retrieved 6 July 2014.
- Annan, Kofi (2003) at: www.ohchr.org/English/issues/terrorism/index.htm.Australia
- Government (2004) Transnational Terrorism: The Threat to Australia: www.dfat.gov/publication/terrorism
- Anderson, Kenneth (2009) "The Rise of International Criminal Law: Intended and Unintended Consequences", **European Journal of International Law**, Vol. 20, No. 2.
- Bulos, Nabih (2014) "Islamic State of Iraq and Syria aims to recruit Westerners with video", **Los Angeles Times**, Retrieved 23 June.
- Casey, Mary Joshua Haber (2014) "Rebel factions continue fight against ISIL in Northern Syria", **Foreign Policy**, Retrieved 7 January.
- Gambill, Gary (2004) "Abu Musab Al-Zarqawi: A Biographical Sketch", Terrorism Monitor 2 (24): **The Jamestown Foundation**, Archived from the original on 30 September 2007, Retrieved 30 July.
- Hassan, Hassan (2014) "Political reform in Iraq will stem the rise of Islamists", **The National**, Retrieved 18 June.
- McCoy, Terrence (2013) "ISIS, beheadings and the success of horrifying violence", **The Washington Post**, Retrieved 23 June.
- Ferran, Lee; Momtaz, Rym (2014) "ISIS: Trail of Terror", **ABC News**, Retrieved 14 September.
- Liz, Sly (2014) "Al-Qaeda disavows any ties with radical Islamist ISIS group in Syria, Iraq", **The Washington Post**, Retrieved 06-14